

بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری حسابداری

منیژه رامشه*
دکتر مهناز ملانظری**

چکیده

مدیران بیش اطمینان بازده‌های آینده سرمایه‌گذاری‌های شرکت را بیش برآورد می‌کنند، لذا انتظار می‌رود این مدیران شناسایی زیان را به تأخیر انداخته و تمایل کمتری به استفاده از رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه داشته باشند. پژوهش حاضر، به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و بیش اطمینانی مدیریت و مطالعه آثار نظارت خارجی بر این رابطه می‌پردازد. در این مطالعه، برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیریت از دو سنجه مبتنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده شده است. سنجه محافظه کاری شرطی مبتنی بر الگوی رگرسیون خان و واتس (۲۰۰۹) و دو سنجه محافظه کاری غیرشرطی مبتنی بر ارقام تعهدی و تفاوت چولگی سود و جریانات نقدی است. نمونه پژوهش شامل ۶۲ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۷۸ لغایت ۱۳۹۱ است. نتایج نشان می‌دهد بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی با بیش اطمینانی مدیریت رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. به علاوه، یافته‌ها نشان داد که نظارت خارجی اثر منفی بیش اطمینانی بر محافظه کاری شرطی را کاهش داده، اما اثر مشابه در مورد محافظه کاری غیرشرطی نخواهد داشت.

* دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه الزهرا (س) و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فریدن
** استادیار حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)

نویسنده مسئول مقاله: منیژه رامشه (Email: mramsheh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۱۷

واژه‌های کلیدی: بیش‌اطمینانی مدیریت، محافظه‌کاری، نظارت خارجی.

مقدمه

بیش‌اطمینانی یا اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مهمترین مفاهیم مالی مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. بیش‌اطمینانی سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زده، احساس کند روی مسایل و رویدادها کنترل دارد، در حالی که ممکن است در واقع، این‌گونه نباشد (فلاح شمس لیالستانی و همکاران، ۱۳۸۹).

بررسی آثار بیش‌اطمینانی مدیران بر رویه‌های شرکت، شامل رویه‌های حسابداری مهم است. بیش‌اطمینانی می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیم آینده‌نادرست شده و با تحریف از سیاست‌های مناسب سرمایه‌گذاری، تأمین مالی یا حسابداری، هزینه‌های گزافی بر شرکت تحمیل کند. اما بیش‌اطمینانی مدیریت می‌تواند در برخی شرایط منفی داشته باشد. برای مثال، انگیزش مدیران بیش‌اطمینان برای پذیرش ریسک، کم‌هزینه‌تر از سایر مدیران است.

مدیران بیش‌اطمینان بازده‌های آینده‌ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیش‌برآورد می‌کنند. لذا ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر انداخته و برآوردهای خوش-بینانه در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلند مدت داشته باشند. بنابراین، بیش‌اطمینانی مدیریت می‌تواند منجر به سطوح پایین‌تر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی شود. دو فرضیه اول پژوهش حاضر، رابطه‌ای منفی بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی پیش‌بینی می‌کند. به علاوه، در این پژوهش، آزمون می‌شود که چگونه رابطه بین محافظه‌کاری و بیش‌اطمینانی تحت تأثیر مکانیسم‌های نظارت خارجی قرار می‌گیرد. اگر ناظران خارجی حسابداری محافظه‌کارانه را مطلوب بدانند، نظارت خارجی ممکن است آثار منفی مفروض بیش‌اطمینانی بر محافظه‌کاری را کاهش دهد. از سوی دیگر، در شرایطی که محافظه‌کاری

برای شرکت پرهزینه باشد، ممکن است ناظران خارجی مدیران بیش‌اطمینان را برای کاهش هزینه‌های بالقوه محافظه کاری انتخاب کنند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر به پیروی از پژوهش احمد و دوئل‌مان^۱ (۲۰۱۳) رابطه بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی با بیش‌اطمینانی مدیریت و نیز آثار نظارت خارجی بر این رابطه را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

بیش‌اطمینانی مدیریت

بیش‌اطمینانی یکی از مهمترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری است. پژوهشگران دریافته‌اند که افراد قابلیت‌هایشان را در خوب انجام دادن وظایفشان، بیش از اندازه برآورد کرده و این تخمین بیش از اندازه، با اهمیتی که آن وظایف برای شخص دارد، افزایش می‌یابد. همچنین، روانشناسان به این نتیجه رسیدند که افراد در هنگام تصمیم‌گیری و قضاوت به اطلاعات برجسته وزن بیشتری می‌دهند. افراد در مورد اخباری که به نظرشان درست می‌آید، بدون توجه به موثق بودن منبع، اطمینان کرده و بر اساس آن، به نتیجه‌گیری‌های بااطمینانی اقدام می‌کنند. آن‌ها به اطلاع آینده که با باورهای موجودشان سازگار است، وزن بیشتری می‌دهند و به اطلاع آینده می‌بالند که باورهایشان را حمایت می‌کند و اطلاع آینده‌ای را که با باورهایشان همخوانی ندارد، از بین می‌برند (جهانخانی و همکاران، ۱۳۸۸).

در ادبیات مالی، مدیر بیش‌اطمینان مدیری است که به صورت سیستم آینده‌گرا بازده‌های آینده پروژه‌های شرکت را بیش‌برآورد می‌کند. چنین مدیری به صورت سیستم آینده احتمال و اثر رویدادهای مطلوب روی جریان‌های نقدی شرکت را بیش‌برآورد کرده و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب را کم تخمین می‌زند (هیتون^۲، ۲۰۰۲؛ مالمندیر و تیت^۳، ۲۰۰۵). یکی از اولین کاربردهای این مفهوم در ادبیات مالی توسط رل^۴ (۱۹۸۶) مطرح شد. وی بیان می‌کند

بیش اطمینانی مدیریت یکی از علل درگیر شدن مدیران در فرآیندهای تحصیل نامناسب و بیش پرداخت برای شرکت‌های هدف است. هیتون (۲۰۰۲) نشان داد مدیران خوش‌بین، پروژه‌ها و حقوق صاحبان سهام شرکت را بیش ارزش‌گذاری می‌کنند. آن‌ها پروژه‌های با ارزش فعلی خالص (NPV)^۵ منفی را به اشتباه به عنوان سرمایه‌گذاری‌های با NPV مثبت شناسایی کرده و در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. به طور خلاصه، مرور ادبیات نشان می‌دهد که بیش اطمینانی، سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و تقسیم سود شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش‌های اخیر در حسابداری مفاهیم بیش اطمینانی را برای پیش‌بینی‌های سود مدیریت و گزارش‌گری اشتباه یا تقلب نیز آزمون کرده‌اند.

اثر بیش اطمینانی بر محافظه‌کاری حسابداری

یکی از ویژگی‌های گزارش‌گری مالی که به دلیل نقش راهبری مهم آن، توجه زیادی را به خود جلب کرده، محافظه‌کاری است. در ادبیات حسابداری تعاریف چندی از محافظه‌کاری به عمل آمده است. باسو^۶ (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. یک دسته‌بندی که برای تعریف محافظه‌کاری وجود دارد، محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی می‌باشد. محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری‌ای است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است، یعنی اینکه سودها اخبار بد را بسیار سریع‌تر از اخبار خوب منعکس می‌نمایند که منجر به شناسایی به موقع‌تر زیان می‌شود؛ به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سود و زیان و یا محافظه‌کاری گذشته‌نگر نیز می‌گویند. اما محافظه‌کاری غیرشرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری الزام نگردیده است. این نوع محافظه‌کاری کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به واسطه رویه‌های از پیش

تعیین شد حسابداری است؛ محافظه کاری مذکور به محافظه کاری ترازنامه و یا محافظه کاری آینده‌نگر معروف است (بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸).

برآوردهای مدیریتی نقش اساسی در به کارگیری حسابداری محافظه کارانه بازی می‌کند. برای مثال، مدیران ارزش خالص بازیافتنی موجودی کالا را در به کارگیری قاعده اقل بهای تمام شده و بازار برای ارزش‌گذاری موجودی کالا برآورد می‌کنند. مدیران بیش‌اطمینان، بازده‌های آینده پروژه‌های شرکت را بیش‌برآورد می‌کنند. بنابراین، ممکن است احتمال و بزرگی شوک‌های مثبت به جریان‌ات نقدی آینده حاصل از پروژه‌های فعلی را بیش‌برآورد و شوک‌های منفی در جریان‌ات نقدی را کم‌برآورد کنند. بیش‌برآورد بازده‌های آینده یا جریان‌ات نقدی پروژه‌ها یا دارایی‌های جاری حداقل دو مفهوم در خصوص تصمیمات مدیران دارد. نخست اینکه احتمالاً مدیران بیش‌اطمینان شناسایی سود را شتاب بخشیده و شناسایی زیان را به تأخیر می‌اندازند. به علاوه، هنگامی که آن‌ها تصمیم به شناسایی زیان می‌گیرند، احتمالاً بزرگی این زیان‌ها را کم‌برآورد می‌کنند. بنابراین، بیش‌اطمینانی منجر به گزارش‌گری مالی محافظه کارانه شرطی کمتر خواهد شد (احمد و دوئل‌مان، ۲۰۱۳).

مفهوم دوم برای انتخاب‌های حسابداری این است که مدیران بیش‌اطمینان تمایل دارند که دارایی‌ها را بیش‌ارزش‌گذاری و بدهی‌ها را کم‌ارزش‌گذاری کنند. برای مثال، یک مدیر بیش‌اطمینان تمایل دارد احتمال وصول حساب‌های دریافتنی را بیشتر و ذخیره برای مطالبات مشکوک‌الوصول را کمتر برآورد کرده و بدین ترتیب، خالص حساب‌های دریافتنی را بیش‌برآورد کند. به طور مشابه، مدیر بیش‌اطمینان تمایل به بیش‌برآورد ارزش اسقاط یا عمر مفید دارایی‌های بلندمدت داشته، لذا ارزش دارایی‌ها را بیش‌برآورد می‌کند. چنین بیش‌برآوردهایی منجر به گزارش‌گری تهاجمی دارایی‌ها و محافظه کاری غیرشرطی کمتر خواهد شد (احمد و دوئل‌مان، ۲۰۱۳).

باید توجه داشت که ممکن است بیش اطمینانی رابطه مستقیم با محافظه کاری داشته باشد. جروایس و همکاران^۷ (۲۰۱۱) معتقدند که مدیران بیش اطمینان خود متمایل به فعالیت در شرکت‌هایی با رشد مخاطره‌آمیز هستند. اگر این شرکت‌ها از رویه‌های حسابداری محافظه کارانه استفاده کنند، به دلیل خودانتخابی مدیران ممکن است رابطه‌ای مثبت بین محافظه کاری و بیش اطمینانی وجود داشته باشد. لذا نوع رابطه محافظه کاری حسابداری با بیش اطمینانی، سؤالی تجربی است که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد.

نظارت خارجی، محافظه کاری و بیش اطمینانی

مطالعات پیشین شواهدی در خصوص منافع حسابداری محافظه کارانه در قراردادهای بدهی و راهبری فراهم کرده‌اند (احمد و دوئلان، ۲۰۰۷). اگر مکانیسم‌های راهبری گزارش‌گری محافظه کارانه را مطلوب بدانند، نظارت خارجی می‌تواند آثار منفی بیش اطمینانی مدیران بر محافظه کاری را محدود کند (هیتون، ۲۰۰۲؛ احمد و دوئلان، ۲۰۰۷). این مطلب نشان می‌دهد که نظارت خارجی قوی می‌تواند رابطه منفی مفروض بین بیش اطمینانی و محافظه کاری را کاهش دهد.

از سوی دیگر، در موقعیت‌های خاص، محافظه کاری می‌تواند پرهزینه باشد. احمد و دوئلان (۲۰۱۱) نشان دادند که محافظه کاری می‌تواند منجر به عدم تکمیل پروژه‌های سودآوری شود که در دوره‌های اول جریان نقد منفی داشته‌اند. به علاوه، محافظه کاری ممکن است اطلاع‌رسانی مدیر در مورد پتانسیل بالای شرکت برای سرمایه‌گذاری را محدود کند. در چنین شرایطی، ممکن است مکانیسم‌های نظارتی جهت کاهش محافظه کاری، مدیران بیش اطمینان را انتخاب کنند. بنابراین، در این موارد، نظارت خارجی قوی ارتباط منفی بین بیش اطمینانی و محافظه کاری را تضعیف نخواهد کرد. در همین راستا، گوال و تاکور^۸ (۲۰۰۸) دریافتند که هیأت‌مدیره برای ویژگی‌های بارز مدیران بیش اطمینان ارزش قایل بوده و بسیار

محتمل است که این مدیران برای موقعیت مدیریت عامل شرکت در نظر گرفته شوند. بنابراین، این که آیا نظارت خارجی قوی آثار بیش اطمینانی مدیران را کاهش می‌دهد یا خیر، سؤالی دیگر است که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد.

پیشینه پژوهش

مالمدیر و تیت (۲۰۰۸) با بررسی شرکت‌های آمریکایی نشان دادند بیش اطمینانی منجر به سرمایه‌گذاری بیش از اندازه شده و مدیران بیش اطمینان تمایل زیادی برای تحصیل شرکت‌ها دارند که این امر منجر به کاهش ارزش شرکت در طول زمان خواهد شد. به علاوه، زمانی که این مدیران دسترسی به وجوه داخلی داشته باشند و نیاز به تأمین مالی خارجی نداشته باشند، این آثار قویتر خواهد بود. دشموخ و همکاران^۹ (۲۰۱۰) معتقدند مدیران بیش اطمینان نسبت به سایر مدیران تمایل به پرداخت سود تقسیمی کمتری دارند. کاهش در پرداخت سود تقسیمی به دلیل بیش اطمینان بودن مدیران در شرکت‌هایی با فرصت رشد پایین‌تر، جریان وجوه نقد کمتر و عدم تقارن اطلاع آینده بالاتر، بزرگتر است. به علاوه، اندازه عکس‌العمل مثبت بازار به اعلام افزایش سود تقسیمی در شرکت‌هایی با مدیر بیش اطمینان، کوچکتر است. مالمدیر و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۱) شواهدی سازگار با این مطلب که بیش اطمینانی منجر به تحریف رویه‌های مالی شرکت می‌شوند، فراهم کردند. آن‌ها نشان دادند که مدیران بیش اطمینان تأمین مالی خارجی، به ویژه صدور سهام را پرهزینه می‌دانند.

لیبی و رنه‌کامپ^{۱۱} (۲۰۱۲) نشان دادند که بیش اطمینانی مدیریت بر تصمیم به انتشار پیش‌بینی سود مؤثر است. مدیر بیش اطمینان اعتقاد به عملکرد مثبت آینده شرکت دارد که این امر تمایل به انتشار پیش‌بینی سود را افزایش می‌دهد. شراند و زچمن^{۱۲} (۲۰۱۱) دریافتند که بین بیش اطمینانی مدیریت با احتمال تقلب صورت‌های مالی رابطه مثبت برقرار بوده و نظارت بالاتر داخلی و خارجی از طریق مکانیسم‌های حاکمیتی این اثر را کاهش نمی‌دهد. احمد و دوئلان

(۲۰۱۳) آثار بیش‌اطمینانی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بیش‌اطمینانی اثر منفی بر محافظه‌کاری حسابداری داشته و نظارت خارجی این آثار منفی را کاهش نخواهد داد.

فلاح شمس لیالستانی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند بین تجربه و بیش‌اطمینانی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. بدین ترتیب، مدیران کم‌تجربه‌تر در مقایسه با مدیران باتجربه‌تر از بیش‌اطمینانی بیشتر و رفتار توده‌وار کمتر برخوردار بوده، ریسک‌پذیرتر می‌باشند و بازده بالاتری کسب می‌نمایند. مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری سود رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه بیشتر می‌گردد. در پژوهشی اسدی و جلالیان (۱۳۹۱) نشان داده شد که روابط بین تمرکز مالکیت و درصد سهامداران نهادی با محافظه‌کاری بسته به الگوی مورد استفاده برای محافظه‌کاری، ممکن است معکوس و معنادار بوده و یا معنادار نباشد. بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی نظیر مالکیت سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت، استقلال اعضای هیأت‌مدیره و نوع حسابرس با محافظه‌کاری پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین این مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

محمودآبادی و مهتری (۱۳۹۰) به بررسی رابطه محافظه‌کاری حسابداری و کارآیی سرمایه‌گذاری پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بین محافظه‌کاری حسابداری و سرمایه‌گذاری آینده در سطح شرکت‌ها و در سطح هفت گروه از صنایع ارتباطی معنادار وجود دارد. ستایش و شمس‌الدینی (۱۳۹۲) به بررسی سازه‌های مؤثر بر سطوح محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. این سازه‌ها شامل رشد فروش، رشد دارایی‌ها، سود سهام پرداختی، اندازه شرکت، هزینه تأمین مالی، اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، بازده فروش، میزان سرمایه‌گذاری و نرخ مؤثر مالی آینده می‌باشند. نتایج پژوهش نشان داد که اقلام ترازنامه در مقایسه با اقلام سود و

زیان دارای ارتباط قوی‌تری با محافظه‌کاری می‌باشند. فخاری و رسولی (۱۳۹۲) اثر محافظه‌کاری و کیفیت اقلام تعهدی را بر کارآیی سرمایه‌گذاری مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که اعمال محافظه‌کاری کارآیی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب ارائه شده در قسمت مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

فرضیه اول: بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری شرطی، رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری غیرشرطی، رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه سوم: رابطه بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری در شرکت‌هایی با نظارت خارجی قویتر، ضعیف‌تر است.

طرح پژوهش

این پژوهش از نظر روش، در زمره پژوهش‌های توصیفی و به لحاظ هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش حاضر در قالب سنجه‌های بیش‌اطمینانی، سنجه‌های محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی، سنجه‌های نظارت خارجی و متغیرهای کنترل بیان می‌شوند.

سنجه‌های بیش‌اطمینانی

در این پژوهش، دو سنجه که مبتنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران است، برای بیش‌اطمینانی به کار گرفته شده است. کمپل و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۱) نشان دادند که تصمیمات

سرمایه‌گذاری شرکت‌ها مرتبط با بیش‌اطمینانی مدیریت است. این مطلب نشان می‌دهد که این تصمیمات ممکن است شامل اطلاع آینده در مورد سطح بیش‌اطمینانی باشد. اولین شاخص مبتنی بر سرمایه‌گذاری برای بیش‌اطمینانی (CAPEX) یک متغیر مجازی است، اگر مخارج سرمایه‌ای در یک دوره معین، تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره بزرگ‌تر از سطح میانه آن برای صنعت مربوطه در آن سال باشد، برابر با یک و در غیر این صورت، برابر با صفر است. این شاخص مبتنی بر یافته‌های بن‌دیوید و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۰) و مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) است که نشان دادند در شرکت‌هایی با مدیرعامل بیش‌اطمینان، مخارج سرمایه‌ای بزرگ‌تر است.

دومین شاخص بیش‌اطمینانی مبتنی بر سرمایه‌گذاری (Over-Invest) به پیروی از شراند و زچمن (۲۰۱۱) انتخاب شد. این شاخص که میزان سرمایه‌گذاری مازاد در دارایی‌ها را نشان می‌دهد، از باقیمانده رگرسیون رشد دارایی‌های کل بر رشد فروش که برای هر صنعت-سال جداگانه برآورد می‌شود، به دست می‌آید. اگر باقیمانده رگرسیون بزرگ‌تر از صفر باشد، این شاخص برابر با یک و در غیر این صورت، برابر با صفر است. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند، مدیران نسبت به همتهای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

سنج‌های محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی

سنج‌ مورد استفاده برای محافظه‌کاری شرطی مبتنی بر پژوهش خان و واتس^{۱۵} (۲۰۰۹) است. خان و واتس (۲۰۰۹) به تکمیل رابطه بازدهی سهام و سود باسو (۱۹۹۷) که در الگوی شماره ۱ ارائه شده است، پرداختند.

$$NI_i = \beta_1 + \beta_2 D_i + \beta_3 RET_i + \beta_4 D_i * RET_i + \varepsilon \quad (1)$$

که در آن؛ NI، سود خالص تقسیم بر ارزش بازار سهام در ابتدای سال؛ RET، بازده سالانه سهام شرکت؛ D، متغیر مجازی است، در صورتی که اخبار بد وجود داشته باشد (RET منفی باشد) برابر با یک و در غیر این صورت، برابر با صفر است. ضریب β_p به هنگام بودن پاسخ سود نسبت به اخبار خوب و $\beta_4 + \beta_p$ به هنگام بودن نسبت به اخبار بد را می‌سنجد. باسو (۱۹۹۷) β_4 را ضریب عدم تقارن زمانی پاسخ سود به اخبار ناامید و از آن برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری استفاده کرد. مثبت بودن این ضریب نشانه وجود محافظه‌کاری است. خان و واتس (۲۰۰۹) به هنگام بودن پاسخ به اخبار خوب (G_Score) و به هنگام بودن تفاضلی پاسخ به اخبار بد نسبت به اخبار خوب یا همان محافظه‌کاری (C_Score) را به صورت تابعی خطی از ویژگی‌های شرکت در قالب دو معادله زیر نشان دادند:

$$G-Score = \beta_p = \mu_1 + \mu_p MV_i + \mu_p MTB_i + \mu_p LEV_i \quad (2)$$

$$C-Score = \beta_c = \lambda_1 + \lambda_p MV_i + \lambda_p MTB_i + \lambda_p LEV_i \quad (3)$$

که در آن؛ MV، لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت، MTB، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و LEV، کل بدهی تقسیم بر کل دارایی است. ضرایب μ و λ در دو معادله فوق با استفاده از برازش سالانه رگرسیون‌های مقطعی به دست می‌آیند. با جایگزین کردن β_3 و β_4 در الگوی شماره ۱ و کنترل ویژگی‌های شرکت، الگوی شماره ۴ برآورد گردید:

$$NI_i = \beta_1 + \beta_p D_i + RET_i * (\mu_1 + \mu_p MV_i + \mu_p MTB_i + \mu_p LEV_i) + D_i * RET_i * (\lambda_1 + \lambda_p MV_i + \lambda_p MTB_i + \lambda_p LEV_i) + (\delta_1 MV_i + \delta_p MTB_i + \delta_p LEV_i + \delta_p D_i * MV_i + \delta_8 D_i * MTB_i + \delta_p D_i * LEV_i) + \varepsilon \quad (4)$$

الگوی شماره ۴ برای هر سال نمونه، به صورت مقطعی برآورد می‌شود. از ضرایب برآوردی حاصل از الگوی شماره ۴ برای به دست آوردن سنجه محافظه‌کاری شرطی در معادله شماره ۳ استفاده می‌شود.

دو سنجه برای محافظه‌کاری غیرشرطی مورد استفاده قرار گرفته است. سنجه اول (Con-ACC) که مبتنی بر اقلام تعهدی است، به پیروی از احمد و دوئل‌مان (۲۰۱۳) انتخاب شد. برای محاسبه این سنجه، از معادله شماره ۵ استفاده شده است. در این معادله، CFO، جریان‌ات نقد عملیاتی؛ Dep، هزینه استهلاک؛ Aver_Asset، متوسط مجموع دارایی‌ها است. سنجه مزبور از طریق میانگین‌گیری اطلاعات سه سال گذشته به دست می‌آید. ارزش بزرگتر این سنجه نشان دهنده محافظه‌کاری غیرشرطی بزرگتر است.

$$Con - Acc = \left(\frac{\sum_{i=1}^3 ((NI - CFO + Dep) / Aver - Asset)}{3} \right) * (-1) \quad (5)$$

سنجه دوم محافظه‌کاری غیرشرطی (Skewness)، که برابر با تفاوت میان چولگی جریان‌ات نقدی و چولگی سود است، به پیروی از گایولی و هاین^{۱۶} (۲۰۰۰) انتخاب شد. چولگی سود (جریان‌ات نقد) برابر است با $(x - \mu)^3 / \sigma^3$ که μ و σ به ترتیب میانگین و انحراف معیار سود (جریان‌ات نقد) طی پنج سال گذشته است. ارزش‌های بالاتر این سنجه نشان دهنده محافظه‌کاری غیرشرطی بزرگتر است.

بدین ترتیب، برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش الگوی زیر برآورد گردید:

$$Con_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it-1} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FirmSize_{it} + \beta_5 SalesGrowth_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 \sigma Revenue_{it} + \varepsilon \quad (6)$$

که در آن؛ Con، یکی از سه سنجه محافظه‌کاری حسابداری و Overcon، یکی از دو سنجه بیش‌اطمینانی است. سایر متغیرها نیز به عنوان متغیر کنترل در الگو وارد شده‌اند که Firm

Size، لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها؛ Sales Growth، درصد رشد سالانه فروش؛
 σ Revenue، انحراف معیار لگاریتم طبیعی فروش (عدم اطمینان عملیاتی) برای یک دوره
 پنج ساله از t-5 تا t-1 است. سایر متغیرهای کنترل نیز پیش از این تعریف شده‌اند.
 به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش (بررسی آثار تعدیل‌کننده نظارت خارجی بر رابطه
 بین محافظه‌کاری و بیش‌اطمینانی) سه مشخصه معمول نظارت که عبارتند از درصد اعضای
 موظف هیأت‌مدیره، درصد مالکیت نهادی و دوگانگی وظیفه مدیرعامل مورد استفاده قرار
 گرفت. اگر شرکتی دو معیار از سه معیار زیر را داشته باشد، در طبقه شرکت‌های با نظارت
 خارجی قوی طبقه‌بندی می‌شود: (۱) درصد اعضای موظف هیأت‌مدیره پایین‌تر از میانه شرکت‌ها
 در نمونه باشد. (۲) درصد مالکیت نهادی بالاتر از میانه شرکت‌ها در نمونه باشد. (۳) مدیرعامل
 وظیفه ریاست هیأت‌مدیره در شرکت را برعهده نداشته باشد. الگوی شماره ۶ برای بررسی آثار
 نظارت خارجی به صورت زیر تعدیل می‌شود:

$$\begin{aligned} Con_{it} = & \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it-1} + \beta_2 StrongMonitoring_{it} + \\ & \beta_3 StrongMonitoring_{it} * Ocercon_{it-1} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \\ & \beta_6 FirmSize_{it} + \beta_7 SalesGrowth_{it} + \beta_8 CFO_{it} + \beta_9 \sigma Revenue_{it} + \varepsilon \end{aligned} \quad (7)$$

که در آن؛ Strong Monitoring، متغیری مجازی است، اگر شرکت نظارت خارجی قوی
 داشته باشد (طبق تعریف بالا) برابر با یک و در غیر این صورت، برابر با صفر است. تعریف سایر
 متغیرها در قسمت قبل ارائه شده است. اگر نظارت خارجی قوی به این منجر گردد که مدیران
 بیش‌اطمینان از رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه بیشتر (کمتر) استفاده کنند، β_2 به صورت
 معناداری مثبت (منفی) خواهد بود.

نمونه پژوهش

نمونه مورد بررسی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۹۱ در بورس عضویت دارند، با اعمال چهار معیار گزینشی انتخاب گردید. این معیارها عبارتند از:

- (۱) سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛
 - (۲) داده‌های شرکت در بازه زمانی مورد بررسی در این پژوهش در دسترس باشد؛
 - (۳) در گروه شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری‌های مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشند؛
 - (۴) در طی سال تغییر مدیرعامل نداشته باشند.
- با اعمال این محدودیت‌ها، ۶۲ شرکت مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از الگوی رگرسیون چندمتغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. برای انتخاب این که در تخمین الگوها از روش تلفیقی یا تابلویی استفاده شود، از آزمون F لیمر استفاده شد. با توجه به این که سطح معناداری در همه الگوها بزرگتر از ۵ درصد است، داده‌ها از نوع داده‌های تلفیقی هستند. قبل از برآورد الگو، مفروضات الگوی رگرسیون از جمله همسانی واریانس اجزای اخلال، نبود خودهمبستگی بین اجزای خطا و نبود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی بررسی شد. به منظور بررسی همسانی واریانس جمله اخلال الگوها، از آزمون وایت استفاده شده و برای تصحیح ناهمسانی از دستور Robust استفاده گردید. به منظور بررسی خودهمبستگی میان اجزای خطا، از آزمون دوربین واتسن استفاده شد. آماره دوربین واتسن در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که حاکی از عدم خودهمبستگی میان اجزای خطا است. با توجه به آن که مقادیر عامل تورم واریانس (VIF^y) برای متغیرهای توضیحی، کمتر از ۱۰ است، نیاز به رفع هم‌خطی وجود ندارد.

در جدول شماره ۱ نتایج برآورد الگوی شماره ۶ با استفاده از سنجه محافظه کاری شرطی (C_Score) بیان شده است. این الگو به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و سنجه محافظه کاری شرطی مبتنی بر ویژگی‌های شرکت می‌پردازد. مشابه یافته‌های احمد و دونلمان (۲۰۱۳)، ضریب هر دو سنجه بیش اطمینانی مدیریت ($CAPEX$ و $Over-Invest$) منفی و معنادار است که نشان می‌دهد با افزایش بیش اطمینانی مدیریت، استفاده از حسابداری محافظه کارانه کاهش خواهد یافت. علایم ضرایب متغیرهای کنترل در هر دو ستون مشابه است. ضریب نسبت ارزش بازار به دفتری سهام منفی و معنادار است که نشان می‌دهد در شرکت‌هایی با فرصت رشد بیشتر، کمتر از رویه‌های حسابداری محافظه کارانه استفاده می‌شود.

جدول شماره ۱. نتایج برآورد الگوی محافظه کاری شرطی (C_Score) بر بیش اطمینانی مدیریت

$$C - Score_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it-1} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FirmSize_{it} + \beta_5 SalesGrowth_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 \sigma Revenue_{it} + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
ثابت	-۰/۰۲	۰/۰۲۸	-۰/۰۱	۰/۰۴۳
CAPEX	-۰/۱۴	۰/۰۰۱	-	-
Over-Invest	-	-	-۰/۰۷۲	۰/۰۱۲
MTB	-۰/۰۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۸	۰/۰۰۰
LEV	۰/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰۰
Firm Size	-۰/۰۷	۰/۰۴۵	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۵
Sales Growth	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۸
CFO	-۰/۰۳	۰/۲۱	-۰/۱۴	۰/۶۵
$\sigma Revenue$	۰/۱۶	۰/۷۶	۰/۰۹	۰/۴۱
سطح معناداری F فیشر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴

نوع رابطه این متغیر با محافظه‌کاری شرطی مشابه یافته‌های احمد و دونلمان (۲۰۱۳) و برخلاف یافته‌های فروغی و عباسی (۱۳۹۰) است. ضریب مثبت و معنادار نسبت اهرمی مشابه یافته‌های احمد و دونلمان (۲۰۱۳) و فروغی و عباسی (۱۳۹۰) است. ضریب منفی و معنادار اندازه شرکت نیز مشابه یافته‌های احمد و دونلمان (۲۰۱۳)، فروغی و عباسی (۱۳۹۰) است. این امر نشان می‌دهد شرکت‌هایی با تضاد بیشتر طلبکار-سهامدار و شرکت‌های کوچک‌تر متقاضی رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر هستند. رابطه‌ای منفی و معنادار بین رشد فروش و محافظه‌کاری شرطی وجود دارد. احمد و دونلمان (۲۰۱۳) نیز نتایج مشابهی را ارائه کردند. رابطه‌ای معنادار بین جریان نقد عملیاتی و عدم‌اطمینان عملیاتی با محافظه‌کاری یافت نشد. به طور کلی، یافته‌ها نشان داد که بر اساس هر دو سنجۀ بیش‌اطمینانی، مدیران بیش‌اطمینان شناسایی اخبار خوب در سود را تسریع بخشیده و شناسایی زیان را به تأخیر اندازند. این نتایج مؤید فرضیۀ اول پژوهش است.

جدول شماره ۲. نتایج برآورد الگوی محافظه‌کاری غیرشرطی بر بیش‌اطمینانی مدیریت

$$Con_Acc_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it-1} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FirmSize_{it} + \beta_5 SalesGrowth_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 \sigma Revenue_{it} + \varepsilon$$

Over-Invest		CAPEX		متغیر
سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	
۰/۰۰۰	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۲۹	ثابت
-	-	۰/۰۰۱	-۰/۱۹۷	CAPEX
۰/۰۰۵	-۰/۰۱۸	-	-	Over-Invest
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۴	MTB
۰/۰۰۰	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۶	LEV
۰/۹۵	-۰/۰۰۰۱	۰/۸۳۲	-۰/۰۰۱	Firm Size
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	Sales Growth
۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	۰/۰۰۰	۰/۲۸۱	CFO
۰/۰۰۰	-۰/۱۸۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۸۱	$\sigma Revenue$
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		سطح معناداری F^2 فیشر
۰/۳۴		۰/۳۴		ضریب تعیین تعدیل شده

در جداول شماره ۲ و ۳ به ترتیب، نتایج برآورد الگوی شماره ۶ با استفاده از سنجه مبتنی بر اقلام تعهدی (*Con_Acc*) و سنجه مبتنی بر چولگی (*skew*) برای محافظه کاری غیرشرطی گزارش شده است. مشابه پیش‌بینی انجام شده در فرضیه دوم پژوهش، ضریب دو سنجه بیش‌اطمینانی در هر دو الگو منفی و معنادار است. در این جداول نیز علایم و معناداری ضرایب متغیرهای کنترل در هر دو ستون مشابه است.

جدول شماره ۳. نتایج برآورد الگوی محافظه کاری غیرشرطی بر بیش‌اطمینانی مدیریت

$$Skewness_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it-1} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FirmSize_{it} + \beta_5 SalesGrowth_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 \sigma Revenue_{it} + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
ثابت	-۰/۵۹۳	۰/۵۷۳	-۰/۶۱۷	۰/۵۴۱
CAPEX	-۰/۳۸۱	۰/۰۲۵	-	-
Over-Invest	-	-	-۰/۱۷۶	۰/۰۴۷
MTB	-۰/۱۲۴	۰/۰۰۰	-۰/۱۲۹	۰/۰۰۰
LEV	۲/۹۰	۰/۰۰۱	۲/۹۲	۰/۰۰۱
Firm Size	-۰/۱۸۵	۰/۳۱۴	-۰/۲۲۹	۰/۲۵۷
Sales Growth	۰/۰۲۴	۰/۰۴۲	۰/۰۲۲	۰/۰۴۳
CFO	۰/۱۷۶	۰/۸۱۴	۰/۴۰۱	۰/۶۳۳
$\sigma Revenue$	-۳/۴۲۵	۰/۰۲۴	-۲/۷۹۴	۰/۰۲۳
سطح معناداری F فیشر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱

یافته‌ها نشان می‌دهد نسبت ارزش بازار به دفتری سهام، رابطه معنادار منفی و نسبت اهرمی، رابطه معنادار مثبت با محافظه کاری غیرشرطی دارند. برخلاف یافته‌های احمد و دونلمان (۲۰۰۷، ۲۰۱۳) رشد فروش، رابطه مثبت و عدم‌اطمینان عملیاتی، رابطه منفی با محافظه کاری

غیرشرطی دارد. به علاوه، نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین جریان‌ات نقدی عملیاتی و محافظه‌کاری غیرشرطی مبتنی بر ارقام تعهدی است، در حالی که این رابطه در جدول شماره ۳ معنادار نیست. ضریب متغیر اندازه در هیچ یک از دو الگو معنادار نیست. ستایش و شمس‌الدینی (۱۳۹۲) نشان دادند محافظه‌کاری با رشد فروش و اهرم مالی، رابطه معنادار نداشته و با اندازه، رابطه منفی و معنادار دارد. به طور کلی، رابطه منفی و معنادار بین بیش‌اطمینانی مدیریت (بر اساس هر دو سنجه بیش‌اطمینانی) و محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری مشابه یافته‌های احمد و دوئل‌مان (۲۰۱۳) است.

در جدول شماره ۴ نتایج آزمون فرضیه سوم (برآورد الگوی شماره ۷) گزارش شده است. الگوی مزبور برای هر یک از سه سنجه محافظه‌کاری به صورت جداگانه برآورد شده و هر یک از این الگوها نیز دو بار بر مبنای هر یک از سنجه‌های بیش‌اطمینانی به صورت جداگانه برآورد شده است. نتایج برآورد هر یک از این شش الگو در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. در هر ستون ضریب متغیر مربوط و سطح معناداری در داخل پرانتز ارائه شده است. نتایج نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار بین هر سه سنجه بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری حسابداری است. تحلیل ضریب *Strong Monitoring*Overcon* آثار نظارت خارجی بر رابطه محافظه‌کاری و بیش‌اطمینانی را روشن می‌سازد. در دو ستون اول جدول، این ضریب مثبت و معنادار و در چهار ستون بعدی، این ضریب معنادار نیست. این مطلب نشان می‌دهد نظارت خارجی قوی، آثار منفی بیش‌اطمینانی بر محافظه‌کاری شرطی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، نظارت خارجی قوی منجر می‌شود به این که مدیران بیش‌اطمینان بیشتر از حسابداری محافظه‌کارانه شرطی استفاده کنند. این مطلب مشابه یافته‌های مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) و بر خلاف یافته‌های احمد و دوئل‌مان (۲۰۱۳) است. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد نظارت خارجی فاقد آثار تعدیل‌کننده بر رابطه بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری غیرشرطی است. این یافته‌ها مشابه یافته‌های احمد و دوئل‌مان (۲۰۱۳)، شراند و زچمن (۲۰۱۱) و بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۱) است.

جدول شماره ۴. نتایج برآورد الگوی شماره ۷

$$Con_{it} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{it-1} + \beta_2 StrongMonitoring_{it} + \beta_3 StrongMonitoring_{it} * Ocercon_{it-1} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 FirmSize_{it} + \beta_7 SalesGrowth_{it} + \beta_8 CFO_{it} + \beta_9 \sigma Revenue_{it} + \varepsilon$$

Skewness		Con-Acc		C-Score		
Over-Invest	CAPEX	Over-Invest	CAPEX	Over-Invest	CAPEX	
-۰/۰۵ (۰/۳۳)	-۰/۰۵ (۰/۱۶)	۰/۱۲ (۰/۰۲)	۰/۱۸ (۰/۰۰)	-۰/۰۲ (۰/۲۷)	-۰/۰۵ (۰/۲۶)	ثابت
-	-۰/۷۴ (۰/۰۰)	-	-۰/۲۶ (۰/۰۰)	-	-۰/۰۶ (۰/۰۰)	CAPEX
-۰/۵۹ (۰/۰۰)	-	-۰/۳۵ (۰/۰۰)	-	-۱/۴ (۰/۰۰)	-	Over-Invest
۰/۲۴ (۰/۲۷)	۰/۱۳ (۰/۸۶)	۰/۰۹ (۰/۳۳)	۰/۰۸ (۰/۴۵)	۰/۱۸ (۰/۰۰)	۰/۲۳ (۰/۰۰)	Strong Monitoring
-	۰/۲۵ (۰/۶۷)	-	۰/۰۴ (۰/۹۹)	-	۰/۲۵ (۰/۰۴)	Strong Monitoring* CAPEX
۰/۲۷ (۰/۴۵)	-	۰/۰۳ (۰/۵۴)	-	۰/۱۴ (۰/۰۰)	-	Strong Monitoring* Over-Invest
۰/۱۹ (۰/۰۰)	۱/۱۶ (۰/۰۰)	۰/۰۰۹ (۰/۰۰)	۰/۰۸ (۰/۰۰)	-۰/۰۶ (۰/۰۲)	-۰/۰۶ (۰/۰۳)	MTB
۱/۴۳ (۰/۰۰)	۱/۴۴ (۰/۰۰)	۰/۳۶ (۰/۰۰)	۰/۲۱ (۰/۰۰)	۰/۱۱ (۰/۰۰)	۰/۱۹ (۰/۰۰)	LEV
-۰/۰۹ (۰/۲۷)	-۰/۱۱ (۰/۲۳)	-۰/۰۰۱ (۰/۴۷)	-۰/۰۸ (۰/۶۷)	۰/۰۵ (۰/۳۳)	۰/۰۰۵ (۰/۳۸)	Firm Size
۰/۰۸ (۰/۰۴)	۰/۰۸ (۰/۰۶)	۰/۰۰۹ (۰/۰۷)	۰/۰۰۳ (۰/۰۰)	۰/۴۵ (۰/۰۰)	-۱/۲۲ (۰/۰۰)	Sales Growth
۰/۴۹ (۰/۱۳)	۰/۵۱ (۰/۰۹)	۱/۸ (۰/۰۰)	۰/۸۶ (۰/۰۳)	-۱/۲ (۰/۰۵)	-۰/۰۸ (۰/۰۶)	CFO
-۰/۷۶ (۰/۰۰)	-۰/۸۷ (۰/۰۰)	-۰/۱۳ (۰/۰۰)	-۰/۰۷ (۰/۰۰)	۰/۱۴ (۰/۲۳)	۰/۱۵ (۰/۱۳)	σ Revenue
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری F فیشر
۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۲۵	۰/۲۶	۰/۱۴	۰/۱۳	ضریب تعیین تعدیل شده

نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش

در این پژوهش، ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری در قالب سه فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. از دو شاخص مبتنی بر سرمایه گذاری، به عنوان سنج‌های بیش اطمینانی استفاده شد. از آنجا که مدیران بیش اطمینان بازده‌های آینده پروژه‌های شرکت را بیش برآورد می‌کنند، پیش‌بینی می‌شود که بیش اطمینانی و محافظه کاری رابطه منفی با یکدیگر خواهند داشت.

نتایج آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش، مشابه یافته‌های احمد و دوئلان (۲۰۱۳)، نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار بین بیش اطمینانی و محافظه کاری شرطی و غیرشرطی است. بدین ترتیب، این دو فرضیه مورد تأیید قرار گرفتند. این یافته‌ها را تقریباً می‌توان مشابه نتایج پژوهش محمودآبادی و مهتری (۱۳۹۰) و فخاری و رسولی (۱۳۹۲) تعبیر کرد. این پژوهشگران نشان دادند محافظه کاری حسابداری، سرمایه گذاری را در شرکت‌هایی که در آن‌ها سرمایه گذاری بیش از حد وجود دارد، کاهش داده و در شرکت‌هایی که در آن‌ها سرمایه گذاری کمتر از حد وجود دارد، افزایش می‌دهد. فرضیه سوم پژوهش به بررسی آثار تعدیل‌کنندگی نظارت خارجی بر رابطه بیش اطمینانی و محافظه کاری پرداخته است. این فرضیه مبتنی بر این مطلب است که مکانیسم‌های راهبری گزارش‌گری محافظه کارانه را مطلوب دانسته، لذا نظارت خارجی می‌تواند آثار منفی بیش اطمینانی مدیران بر محافظه کاری را تعدیل کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد نظارت خارجی قوی، آثار منفی بیش اطمینانی بر محافظه کاری شرطی را کاهش می‌دهد. این نتیجه، برخلاف یافته‌های احمد و دوئلان (۲۰۱۳) است. اما شواهدی در خصوص آثار مشابه نظارت خارجی بر رابطه بین بیش اطمینانی و محافظه کاری غیرشرطی یافت نشد. لذا، فرضیه سوم پژوهش تنها در خصوص محافظه کاری شرطی مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج پژوهش‌های انجام شده در مورد رابطه محافظه کاری و راهبری شرکتی متنوع است. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها رابطه مثبت (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹)، برخی رابطه منفی (اسدی

و جلالیان، ۱۳۹۱) و برخی دیگر رابطه معناداری در این حوزه را نشان نمی‌دهند (اسدی و جلالیان، ۱۳۹۱؛ بادآورنهندي و همکاران، ۱۳۹۱). علاوه بر استفاده از سنجه‌ها و الگوهای مختلف برای محافظه‌کاری و استفاده از مکانیسم‌های مختلف راهبري شرکتی در این دسته از پژوهش‌ها، یکسان نبودن مطلوبیت محافظه‌کاری برای شرکت‌ها و دیدگاه ناظر خارجی در این خصوص می‌تواند دلیل تنوع نتایج باشد. به عبارت دیگر، یکی از دلایل ممکن برای عدم وجود آثار تعدیل‌کنندگی نظارت خارجی قوی بر محافظه‌کاری غیرشرطي می‌تواند پرهزینه بودن محافظه‌کاری از دید ناظران خارجی باشد.

این پژوهش با معرفی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مفید باشد. وجود محافظه‌کاری در صورت‌های مالی بیش از هر گروهی، منافع سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را حفظ می‌کند. بنابراین، اطلاع از وجود محافظه‌کاری می‌تواند تضمین‌خاطری برای این افراد باشد. لذا به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در هنگام اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود به رابطه متغیرهای بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری شرکت توجه نمایند. به علاوه، مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نیز افرادی که در عزل و نصب این مدیران دخالت دارند، می‌توانند از نتایج این پژوهش در جهت افزایش آگاهی خود استفاده نمایند. از سوی دیگر، بر اساس یافته‌های پژوهش، نظارت خارجی نقش کاهنده آثار منفی بیش‌اطمینانی بر محافظه‌کاری شرطي را دارد. لذا، به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی پیشنهاد می‌شود که هنگام استفاده از این صورت‌ها به عامل نظارت خارجی به عنوان بخشی از مکانیسم راهبري شرکتی نیز توجه کرده و تأثیر آن را مدنظر قرار دهند. همچنین، سازمان بورس اوراق بهادار در راستای انتشار اطلاعات شرکت‌ها به عوامل تأثیرگذار بر محافظه‌کاری حسابداری در ارائه اطلاعات توجه نمایند.

موضوعات زیر می‌تواند مورد توجه پژوهشگران آینده قرار گیرد:

۱. بررسی تأثیر نوع صنعت بر روابط بین بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری.
۲. بررسی سایر سنجه‌های معرف بیش‌اطمینانی و تکرار این پژوهش بر اساس این سنجه‌ها.

۳. بررسی سایر معیارهای نظارت خارجی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری حسابداری.

یادداشت‌ها

1. Ahmed and Duellman
2. Heaton
3. Malmendier and Tate
4. Roll
5. Net Present Value
6. Basu
7. Gervais
8. Goel and Thakor
9. Deshmukh
10. Malmendier
11. Libby and Rennekamp
12. Schrand and Zechman
13. Campbell
14. Ben-David
15. Khan and Watts
16. Givoly and Hayn
17. Variance Inflation Factor



منابع و مآخذ

- اسدی، غلامحسین و رامین جلالیان. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ساختار سرمایه، سهامداران و بزرگی شرکت بر میزان اعمال محافظه کاری در شرکت‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹ (۶۷): ۱۴-۱.
- بادآورندهی، یونس، برادران حسن‌زاده، رسول و سعید محمودزاده باغبانی. (۱۳۹۱). تأثیر نظام راهبری شرکت بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۴: ۱۰۳-۱۲۲.
- بنی‌مهد، بهمن و تهمینه باغبانی. (۱۳۸۸). اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۶ (۵۸): ۵۳-۷۰.
- جهانخانی، علی، نوفرستی، محمد و فرهنگ قراگزلو. (۱۳۸۸). بررسی اطمینان بیش از اندازه سرمایه‌گذاران و حجم معاملات در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت*، ۳۰: ۱۰۵-۱۲۳.
- ستایش، محمدحسین و کاظم شمس‌الدینی. (۱۳۹۲). بررسی سازه‌های مؤثر بر سطوح محافظه کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۴ (۱۴): ۱۰۹-۱۲۷.
- فخاری، حسین و شادی رسولی. (۱۳۹۲). بررسی اثر محافظه کاری و کیفیت اقلام تعهدی بر کارآیی سرمایه‌گذاری، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲ (۸): ۸۱-۱۰۰.
- فروغی، داریوش و جواد عباسی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری، *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، ۱ (۱): ۱۱۳-۱۳۲.
- فلاح‌شمس‌لیلستانی، میرفیض، قالیباف‌اصل، حسن و سمیرا نوبخت‌سرایبی. (۱۳۸۹). بررسی اثر تجربه بر ریسک‌پذیری، بیش‌اطمینانی و رفتار توده‌وار. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۳ (۱۲): ۲۵-۴۲.

- محمودآبادی، حمید و زینب مهتری. (۱۳۹۰). رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و کارآیی سرمایه‌گذاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پیشرفت های حسابداری*، ۳(۲): ۱۱۳-۱۴۰.
- مهرانی، ساسان، مرادی، محمد و هدی اسکندر. (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه. *فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی*، ۲(۱): ۴۷-۶۲.
- Ahmed, A., and Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and Board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Economics*, 43: 411-37.
- Ahmed, A., and Duellman, S. (2011). Evidence on the role of accounting conservatism in monitoring managers' investment decisions. *Accounting and Finance*, 51: 609-33.
- Ahmed, A. and Duellman S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*. 51 (1).
- Basu, S. (1997), The conservatism principle and the asymmetric Timeliness earnings, *Journal of Accounting & Economics* 24: 3-37.
- Ben-David, I., Graham, J.R., and Harvey, C.R. (2010). Managerial miscalibration, *Working paper*, Duke University,
- Campbell, T. C., Galleyer, M.; Johnson S.A., Rutherford, J., and Stanley, B.W. (2011). CEO Optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics* 101: 695-712.
- Deshmukh, S., Goel, A., and Howe, K. (2010). CEO Overconfidence and dividend policy, *Working Paper*, DePaul University.
- Gervais, S., Heaton, J.B., and Odean, T. (2011). Overconfidence, compensation contracts, and capital budgeting. *Journal of Finance*, 66: 1735-77.
- Ggivol, D., and Hayn, C. (2000). The changing time series properties of earnings, cash flows, and accruals: Has financial reporting become more conservative?. *Journal of Accounting and Economics* 29: 287-320.
- Goel, A.M., and Thakor, A.J. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *Journal of Finance*, 63: 2737-84.
- Heaton, J. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management*, 31: 33-45.
- Khan, M., and Watts, R.L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48: 132-50.

- Libby, R., and Rennekamp, K. (2012). Self-serving attribution bias, overconfidence, and the issuance of management forecasts. *Journal of Accounting Research*, 50: 197–231.
- Malmendier, U., and Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60: 2661–700.
- Malmendier, U., and Tate, G. (2008). Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the Market's reaction. *Journal of Financial Economics*, 89: 20–43.
- Malmendier, U.; G. Tate; and Yan, J. (2011). Overconfidence and early life experiences: The effect of managerial traits on corporate financial policies. *Journal of Finance*, 66: 1687–733.
- Roll, R. (1986). The Hubris Hypothesis of Corporate Takeovers. *The Journal of Business* 59: 197–216.
- Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53: 311–29.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی